

اش با مردم



گرفتاریهای مردم متأثر می شدند. قرآن کریم وقتی از انبیای بزرگ نام می برد، در معرفی آنها «برادری» را جزء خصوصیات بارز آنها بیان می کند:

﴿وَالَّذِينَ إِذْ قَالَ لَهُمُ أَخُوهُمْ هُودٌ أَلَا تَتَّقُونَ﴾^۱، ﴿إِذْ قَالَ لَهُمُ أُخُوهُمْ هُودٌ أَلَا تَتَّقُونَ﴾^۲، ﴿إِذْ قَالَ لَهُمُ أُخُوهُمْ صَالِحٌ أَلَا تَتَّقُونَ﴾^۳ این تعابیر حاکی از آن است که سفرای الهی با مردم زمان خود

یکی از عنایات خداوند متعال به رسول گرامی اش ﷺ این بود که قلب مبارک حضرت نسبت به مردم رئوف و مهربان بود؛ به طوری که حضرتش از درد و رنج مردم در فشار و ناراحتی بود: ﴿لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ﴾^۴ «قطعاً، برای شما پیامبری از خودتان آمد که بر او دشوار است شما در رنج بیفتید، به [هدایت] شما حریص، و نسبت به مؤمنان، دلسوز و مهربان است.»

اصولاً همه انبیای الهی رابطه‌ای دوستانه و برادرانه با مردم داشتند و از

۱. توبه/۱۲۸.

۲. اعراف/۸۵ «و به سوی [مردم] مدین برادرشان شعیب را [فرستادیم].»

۳. شعراء/۱۲۴: «آن گاه که برادرشان هود به آنان گفت: آیا پروا ندارید؟»

۴. همان/۱۴۲: «آن گاه که برادرشان صالح به آنان گفت: آیا پروا ندارید؟»

یگانه بودند. به دیگر سخن، آنها با شناخت فرهنگ مردم زمان خویش با توده مردم انس گرفته، چون عضوی از یک خانواده بزرگ در خوشیها و ناملایمات در کنار آنها بودند. «انس با مردم» یعنی با مردم بودن، برای مردم بودن و در خدمت دیگران بودن و شریک درد و رنج و راحت و غم دیگران بودن، یکی از ضرورت‌های اخلاق مسلمانی است. و این، رمز حیات اجتماعی برای یک مسلمان است که در پرتو آن برای خود پایگاهی مردمی بنا می‌کند که برخوردار از رأفت و رحمت و مودت مردمی است. علی علیه السلام در نهج البلاغه «مردمی بودن» و «انس با مردم داشتن» را چنین معنا می‌کند: «خَالَطُوا النَّاسَ مُخَالَطَةً إِنْ مِثْمَ مَعَهَا بَكُوا عَلَيْكُمْ وَإِنْ عِشْتُمْ حَتَّوْا إِلَيْكُمْ؛^۱ آن گونه با مردم زندگی کنید که اگر از دنیا رفتید، برایتان گریه کنند و اگر در کنار آنان به سر بردید، به شما عشق بورزند». مردم دل به کسی می‌دهند که با درد و رنج آنان آشنا و با غم‌هایشان محرم و در راه خدمت به آنها پر تلاش باشد.

شکی نیست که روحانیت با مردم و در مردم زنده است؛ چرا که بدون مردم توان ایفای رسالت خویش را از دست می‌دهد. فلسفه وجودی عالمان دین آن است که اولاً، فقیه در دین شوند. ثانیاً، به هدایت و انداز مردم پردازند.^۲ ثالثاً، با شناخت حساسیتها و شرایط و واقعیت‌های موجود، دست به آسیب‌شناسی زده، آن گاه چون طبیبی دوار^۳ در کنار هر حادثه و واقعه‌ای ضمن راهنمایی و ارشاد و همدردی با تشنگان معارف اسلامی، نسخه شفابخش ببیچند.

لازمه این کار مهم آن است که روحانی و داعی الی الله فردی اجتماعی

۱. نهج البلاغه، حکمت ۱۰.

۲. توبه/۱۲۲: «فَلَوْلَا نَفَرَ مِن كُلِّ فِرْقَةٍ مِّنْهُمْ طَائِفَةٌ لِّيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ»؛ «پس چرا از هر فرقه‌ای از آنان، دسته‌ای کوچ نمی‌کند تا در دین آگاهی پیدا کنند و قوم خود را - وقتی به سوی آنان بازگشتند - بیم دهند. باشد که آنان [از کفر الهی] بترسند!»

۳. نهج البلاغه، خطبه ۱۰۸، علی علیه السلام در وصف پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «طَبِيبٌ دَوَّارٌ بِطَبِيبِهِ؛ طبیبی است سیار که با طب خویش همواره به گردش می‌پردازد.»

باشد و خود را تافته جدا بافته از جامعه نداند.

ارزش انس با مردم

در منابع دینی تعبیرات زیبایی وجود دارد که هر یک به نوبه خود ضمن بیان اهمیت و ارزش مردم داری و انس با مردم، همگان را به آن تشویق می‌کند و از سوی دیگر، مردم‌گریزی، بی‌مهری نسبت به هم‌نوعان و فرو رفتن در لاک خود و گریز از انس با دیگران را مورد نکوهش قرار می‌دهد. علی علیه السلام در این باره می‌فرماید: «أَعَجَزُ النَّاسُ مَنْ عَجَزَ عَنِ الْكُتُبِ الْأَخْوَانِ وَأَعَجَزُ مِنْهُ مَنْ صَيَّعَ مَنْ ظَفِرَ بِهِ مِنْهُمْ؛^۱ عاجزترین مردم کسی است که از به دست آوردن دوست عاجز بماند و از او عاجز‌تر کسی است که دوستان به دست آورده را از دست بدهد.»

مبلغ مردم‌دار چون خورشید بر نیک و بد پرتو افشانی می‌کند و چون باران رحمت شوره زار و سبزه زار را سیراب می‌گرداند. از قلم و قدم و بیانش جز نیکی و محبت شنیده نمی‌شود و در دل الفت دیگران دارد و با تمام وجود بر دیگران عشق

می‌ورزد. مصداقی است آشکار از بیان رسول گرامی صلی الله علیه و آله که فرمودند: «خِيَارُكُمْ أَحْسَنُكُمْ أَخْلَاقًا الَّذِينَ يَأْلِفُونَ وَيُؤْلَفُونَ؛^۲ برگزیده‌ترین شما خوش‌خوش‌ترین شماست؛ آنان که [با دیگران] انس می‌گیرند و [دیگران نیز] با آنان مأنوس می‌شوند.» همچنین فرمودند: «خَيْرُ الْمُؤْمِنِينَ مَنْ كَانَ مَأْلَفَةً لِمُؤْمِنِينَ وَلَا خَيْرَ فِيمَنْ لَا يَأْلَفُ وَلَا يُؤْلَفُ؛^۳ بهترین مؤمنان کسی است که محل انس مؤمنان باشد و در کسی که انس نمی‌گیرد و با او انس نمی‌گیرند، خیری نیست.»

وقتی هدف، خدمت بیشتر به هم‌نوعان باشد، باید راه و رسم آن را هم آموخت. «مردم‌داری» یکی از این راههاست که با شناخت نمودها و شاخصهای آن می‌توان توفیق خدمتگزاری و همدلی را دو چندان کرد. برخی از این نمودها از این قرار

۱. نهج البلاغه، حکمت ۱۲.

۲. تحف العقول، ابن شعبه الحرانی، مؤسسة النشر الاسلامی لجماعة المدرسين، الطبعة الثانية، ۱۴۰۴ هـ. ق، ص ۴۵.

۳. وسائل الشیعة، الحر العاملی، مؤسسة آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث - قم المشرفة، الطبعة الثانية، ۱۴۱۴ هـ. ق، ج ۱۲، ص ۱۸، ب ۷، ح ۸.

است:

سوی هدفهای خود جذب و جلب می‌کرد و در اعماق جانانشان نفوذ می‌نمود. قرآن درباره این خصلت مردمی حضرت می‌فرماید: ﴿فَبِمَا رَحْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ لَبِئْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ﴾^۱؛ «به خاطر رحمت الهی بود که برای مردم نرم شدی و اگر خشن و سخت دل بودی، از دور تو پراکنده می‌شدند.»

۱. حسن خلق؛

۲. عفو و گذشت؛

۳. بخشش و محبت؛

۴. تواضع و فروتنی؛

۵. سعه صدر (حوصله و تحمل)؛

۶. تفقد و گره‌گشایی (برآوردن

نیازها)؛

۷. و

حسن خلق

بی‌شک راز محبوبیت در گرو خوش خلقی است و رمز «مردم‌داری» در پرتو «خوش رویی» می‌باشد. خوش رفتاری در برخورد با مردم، همچون آهن ربایی است که فلز وجود انسانها را به سوی خود می‌کشاند و دل‌های پراکنده را به هم وصل می‌کند.

تعریف حسن خلق

گرچه حسن خلق به جهت آشنایی همگان با آن بی‌نیاز از تعریف است، اما می‌توان گفت که حسن خلق، مجموعه‌ای از صفات و حالات نفسانی است که انسان را به حسن معاشرت با مردم، توأم با گشاده‌رویی و

گشاده رویی و خوش رفتاری از بارزترین صفات رسول خدا ﷺ بود که سهمی عمده در جذب مردم به اسلام و شیفتگی آنان به شخص پیامبر اسلام ﷺ داشت. حضرتش با همین «اکسیر اعظم» دل‌ها را جذب و به جای کینه‌ها و دشمنیها، بذر محبت و مودت می‌کاشت. برای همین بود که خداوند مدال افتخارآمیز ﴿وَأَنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقِي عَظِيمٌ﴾^۱ را مختص رسولش گردانید.

آن حضرت برای رسیدن به هدفهای تربیتی، از اخلاق اجتماعی و اصول انسانی و حسن خلق بهره می‌گرفت. شیوه برخورد حضرت با مردم، چنان بود که به سرعت آنها را به

۱. قلم/۴.

۲. آل عمران/۱۵۹.

خوش‌زبانی و مدارای با انسان و امی دارد.

از امام صادق علیه السلام درباره تعریف حسن خلق سؤال شد، حضرت فرمودند: «تَلَقُّنِ جَانِبَكَ وَتُطِيبُ كَلَامَكَ وَتَلْقَى أَخَاكَ بِبِشْرٍ حَسَنِ»^۱؛ حسن خلق این است که با نرمش و مدارا با مردم رفتار کنی و سخن خویش را پاکیزه گردانی و برادرت را با خوش‌رویی ملاقات نمایی.»

حسن خلق تنها به معنای گشاده‌رویی و خنده رو بودن و... نیست، گر چه آنها نیز به موقع خود سودمند هستند. حسن خلق، گاهی دندان بر جگر گذاشتن و مشکل را تحمل کردن است. اگر باطلی به انسان پیشنهاد شود، باید دندان بر جگر نهاده، حق را رها نکند و باطل را ترک کند. در سخنان علی علیه السلام آمده است: «نِعْمَ الْخُلُقُ التَّصَبُّرُ فِي الْحَقِّ»^۲؛ بهترین خلق، صابر و بردبار بودن بر پایگاه حق است.^۳

روش کسب حسن خلق

خوش رفتاری در معاشرتهای اجتماعی جهت «انس با مردم» جزء نخستین شروط است؛ چرا که هیچ

صفتی به اندازه آن عواطف را تحت تأثیر قرار نمی‌دهد. بعضی از مردم به طور طبیعی خوش اخلاق و خوش برخوردند و این یکی از مواهب الهی است که نصیب هر کس نمی‌شود. گروهی دیگر از مردم هستند که چنین صفتی در آنها نیست؛ اما با تمرین و ممارست می‌توانند «حسن خلق» را در وجود خود زنده کنند؛ به طوری که در اعماق جانیشان نفوذ کرده، جزء طبیعت ثانوی آنها گردد. حضرت رسول صلی الله علیه و آله در توصیه‌ای فرزندان عبدالمطلب را به این امر فرا می‌خواند که «الْأَنْكُم لَنْ تَسْعُوا النَّاسَ بِأَمْوَالِكُمْ فَالْقَوْمُ مِنْ بَطْلَانَةِ الْوَجْهِ وَحُسْنِ الْبِشْرِ»^۴ شما که نمی‌توانید با ثروت و دارایی خود، دل همه مردم را به دست آورید؛ پس با روی باز و گشاده‌رویی با آنها برخورد کنید.»

جهت کسب این فضیلت اخلاقی،

۱. من لایحضره الفقیه، شیخ صدوق، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ج ۴، ص ۴۱۲، ح ۵۸۹۷.
 ۲. نهج البلاغه، نامه ۳۱.
 ۳. مبادی اخلاق در قرآن، آیه الله جوادی آملی، نشر اسراء، چاپ اول، ۱۳۷۷، ج ۱۰، ص ۱۵۸.
 ۴. کافی، شیخ کلینی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ چهارم، ج ۲، ص ۱۰۳، ح ۱.

می شوند، ورزشهای اخلاقی نیز روح انسان را قوی و زیبا می کند؛ البته، در صورتی که با ممارست و پشتکار توأم باشد.

علی علیه السلام در نامه‌ای که به محمد بن ابی بکر، والی مصر نوشته، در اولین فقره آن می فرماید: «فَاخْفِضْ لَهُمْ جَنَاحَكَ وَأَلِّينَ لَهُمْ جَانِبَكَ وَأَبْسِطْ لَهُمْ وَجْهَكَ»^۲ بالهای محبت را برای آنها بگستر و پهلوی نرمش و ملایمت خود را بر زمین بگذار و چهره خویش را برای آنها گشاده دار. «همچنین در توصیه‌ای به فرمانداران که همیشه با توده مردم سر و کار دارند، در خصوص «مردم داری» فرمودند: «وَأَخْفِضْ لِلرَّعِيَّةِ جَنَاحَكَ وَأَبْسِطْ لَهُمْ وَجْهَكَ وَأَلِّينَ لَهُمْ جَانِبَكَ»^۳ پر و بالت را برای مردم بگستر و با چهره گشاده با آنان رو به رو شو و نرمش را نسبت به آنها نصب العین خود گردان. «بدیهی است که ممارست

لازم است به روشهای ذیل توجه شود:

۱. روش تفکر: بهترین راه برای رسیدن به این کمال آن است که همه روزه در آثار معنوی و مادی حسن خلق اندیشه کرده، آیات و روایات وارده را مورد تحلیل قرار داد و به هر مناسبتی با تکرار، آن را به خاطر سپرد.

۲. روش الگویی: یکی از بهترین راهها برای کسب فضایل اخلاقی، خصوصاً حسن خلق، بررسی و ملاحظه آثار شگفت‌انگیز آن در سیره عملی پیشوایان بزرگ دین است.^۱ قرآن کریم به همگان توصیه می کند که با الهام از «اسوه‌های حسنه»، خود و جامعه را از هر نوع رذیله و ناهنجاری پاک و به جای آن فضایل انسانی را جایگزین کنید.

۳. روش عملی: از سوی دیگر باید از نظر عملی نیز خود را به خوش اخلاقی تمرین داد؛ چرا که فضایل اخلاقی همانند نیروهای جسمانی از طریق تمرین و ممارست، تقویت می شود. همان گونه که ورزش کاران پس از مدتی تمرین، دارای اندامی نیرومند و زیبا و به اصطلاح روی فرم

۱. ر.ک: اخلاق در قرآن، آیه الله مکارم شیرازی و همکاران، قم مدرسه امام علی بن ابیطالب، چاپ اول، ۱۳۸۰، ج ۳، ص ۱۶۳ - ۱۵۱.

۲. نهج البلاغه، نامه ۲۷.

۳. همان، نامه ۴۶.

خوش اخلاقی افراد، داشتن غذای سالم جهت تغذیه معنوی است. توصیه قرآن کریم بر آن است که انسان در غذای مصرفی خود دقت کند تا خدای نکرده از لقمه حرام تغذیه نکند؛ چراکه اثرات مخربی در شخصیت او بر جای می‌گذارد. علی علیه السلام درباره نقش تغذیه در اخلاق و کردار انسان می‌فرماید: «فَمَا طَابَ سَقْيُهُ طَابَ عَمَلُهُ وَحَلَّتْ كَمَرْتُهُ وَمَا خَبَّتْ سَقْيُهُ خَبَّتْ عَمَلُهُ وَأَمَرَّتْ كَمَرْتُهُ»^۱ آنچه آبیاریش پاکیزه باشد، غرس و نشای آن پاکیزه و میوه‌اش شیرین است و آنچه آبیاریش ناپاک باشد، درخت آن ناپاک و میوه‌اش تلخ خواهد بود.»

ادامه دارد....



۱. غررالحکم، عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چاپ اول، ح ۵۳۵۸.
۲. همان، ح ۵۳۴۷.
۳. نهج البلاغه، خطبه ۱۵۴.

آن گونه با مردم زندگی کنید که اگر از دنیا رفتید، برایتان گریه کنند و اگر در کنار آنان به سر بردید، به شما عشق بورزند

بر این دستورات اخلاق کارگزار را خوش می‌گرداند. در خصوص حسن خلق نباید از تأثیرات شگفت‌انگیز دو عامل مهم غافل بود:

۱. وراثت: بی‌شک عامل وراثت

همچنان که در خیلی از صفات انسانی حرف اول را می‌زند، در خصوص حسن خلق نیز دارای اهمیت ویژه‌ای است. امام علی علیه السلام فرمودند: «حُسْنُ الْأَخْلَاقِ بُرْهَانُ كَرَمِ الْأَعْرَاقِ»^۱ حسن خلق دلیل بزرگواری ریشه‌ها [ی وراثت] است. «همچنین فرمودند: «أَطْهَرُ النَّاسِ أَعْرَاقًا أَحْسَنُهُمْ أَخْلَاقًا»^۲ آنها که ریشه‌های پاک‌تری دارند، دارای اخلاق بهتری هستند.»

۲. تغذیه: یکی از عوامل مؤثر در